

دو فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی
سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۰۳-۱۲۰

پوروشه (برگردان فارسی و توضیحات واژگانی) و مقایسه آن با اسطوره کیومرث

مینا کامبین*

چکیده

پوروشه غول نخستینی است که از قربانی شدن و تکه‌های بدن او هستی شکل می‌گیرد. این اسطوره در سرود ۹۰ ماندالای دهم ریگ ودا آمده و یکی از اسطوره‌های آفرینش هندی است که به قربانی شدن کیومرث و شکل‌گیری زندگی بشری از نطفه او شباهت دارد. پوروشه که دارای هزار سر و هزار چشم و به اندازه همه آدمیان و ایزدان است، توسط ایزدان قربانی می‌شود تا همه چهارپایان، جنگل‌ها و روستاها، سرودها، مناجات‌ها و آیین‌ها شکل بگیرند. از اجزای بدن او برهمن‌ها، جنگاوران، بازرگانان و کشاورزان به وجود می‌آیند. این سرود شامل شانزده بیت است. در مقاله حاضر ابیات این

* دانشجوی دکتری زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرود به فارسی برگردانده شده، واژگان مهم آن از منظر دستوری و ریشه‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، سپس با مقایسه اسطوره پوروشه و کیومرث شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: پوروشه، ودا، کیومرث

۱- مقدمه

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های اسطوره‌های ودایی و ایرانی یکی از روش‌های شناخت و درک بهتر مفاهیم اسطوره‌های ایرانی است. اسطوره پوروشه به دلیل شباهت‌هایی که به اسطوره کیومرث دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پوروشه در ریگ ودا، ماندالای دهم سرود نود (RV. X 90)، گول بزرگی است که قربانی شده و تکه‌های بدن او جهان هستی را شکل می‌دهد. در متن ودایی پوروشه به شکل موجود گول‌پیکری تصویر شده که دارای هزار سر و هزار چشم است. امتداد انگشتان او به اندازه همه زمین است. اندازه او برابر با همه آدمیان و ایزدان است. مراسم قربانی او توسط ایزدان انجام می‌شود. از این قربانی، همه چهارپایان، جنگل‌ها و روستاها، سرودها، مناجات‌ها و آیین‌ها شکل می‌گیرند. از اجزای بدن او برهنه‌ها، جنگاوران، وئیشیه‌ها، ماه و خورشید، آسمان و زمین به وجود می‌آید.

این اسطوره با کیومرث ایرانی دارای شباهت‌هایی است. در بین اسطوره‌های ایرانی کیومرث با شخصیت دوگانه‌ای که دارد منحصر به فرد است. او در جایی به شکل پیش نمونه انسان و در جایی دیگر به شکل نخستین دین آورنده ظاهر می‌شود؛ موجودی مینوی است که مادی می‌شود؛ بی‌مرگ آفریده شده و سپس میرا می‌شود؛ انسانی است که از او گیاه می‌روید. در سنت ایرانی تاریخ بشر با کیومرث آغاز می‌شود اما در متون متأخرتر نخستین شاه جهان معرفی می‌گردد (کریستن‌سن، ۱۳۷۷: ۱۱). پوروشه گول

^۱ طبقه بازرگانان و کشاورزان (جلالی نائینی، ۱۳۶۸: ۶۲۸)

پوروشه (برگردان فارسی و توضیحات واژگانی) و مقایسه آن با اسطوره کیومرث ۱۰۵

نخستینی است که قربانی کردن او و به وجود آمدن اجزاء مختلف هستی از قطعات بدنش شبیه به قربانی شدن کیومرث و به وجود آمدن کانی‌های مختلف از بدن او و زندگی زمینی از نطفه او دانسته شده است (همان: ۴۷). بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اسطوره نه تنها می‌تواند راهگشای درک تفاوت‌ها و شباهت‌های دو قوم ایرانی و هندی و جهان‌بینی آنان باشد بلکه کمکی خواهد بود برای تجزیه و تحلیل سایر اسطوره‌های هندی و ایرانی. نقطه آغاز این مطالعه دانستن ویژگی‌ها و ریزه‌کاری‌های اسطوره پوروشه از طریق برگردان فارسی و تجزیه و تحلیل واژگانی سرود ودایی پوروشه است.

سرود پوروشه در ریگ ودا توسط Arthur Anthony Macdonell در کتاب *A Vedic Reader for Students* به انگلیسی ترجمه شده است (Mackdonell, 1917: 195-203). این سرود با تفاوت‌هایی در سرود ششم (VI) کتاب ۱۹ (XIX) *Atharva-Veda* ودا آمده که توسط William Dwight Whitney در کتاب *Samhita* همراه با توضیحات به انگلیسی برگردانده شده است (Whitney, 1971: 902-906)، همچنین برگردان انگلیسی دیگری از آن توسط Ralph T. H. Griffith در *Sri Matalعات سنسکریت آمده است* (Griffith, 1968: 262-265). برگردان فارسی این سرود توسط سید محمدرضا جلالی نائینی در کتاب *گزیده سرودهای ریگ ودا* آمده است (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۱-۱۸۳). شباهت‌های بین دو اسطوره پوروشه و کیومرث توسط کریستن‌سن در کتاب *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان* بررسی شده است. زنر نیز در کتاب *زروان یا معمای زرتشتی‌گری* این دو اسطوره را مقایسه کرده، او براین عقیده است که اسطوره کیومرث تحت تأثیر پوروشه ساخته شده است (زنر، ۱۳۸۴: ۲۱۸-۲۲۳). از طرفی مری بویس در کتاب *تاریخ کیش زرتشت* به این مقایسه پرداخته و اذعان دارد که شباهت چندانی بین این دو اسطوره نیست (بویس، ۱۳۷۴: ۱۹۷). همچنین اسطوره کیومرث در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحولات نخستین انسان از یمه تا کیومرث در اسطوره‌های زردشتی»

از اسماعیل پور و وفایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و شخصیت کیومرث با یمه مقایسه شده است (اسماعیل پور، وفایی، ۱۳۹۵).

از آنجایی که تا کنون بیشتر شباهت‌های بین دو اسطوره کیومرث و پوروشه مد نظر پژوهشگران بوده به نظر می‌رسد که لازم است تفاوت‌های بین آنان مورد بررسی بیشتری قرار گیرد تا به این نتیجه نهایی برسیم که آیا کیومرث ایرانی همان پوروشه هندی است که با تغییراتی در ایران ظاهر شده و یا این دو اسطوره از اصل مشترک کهن‌تری سرچشمه گرفته‌اند و به صورت جداگانه بین دو قوم گسترش یافته‌اند.

مقاله حاضر ضمن ارائه آوانویسی و برگردان فارسی سرود پوروشه به تجزیه و تحلیل و ریشه‌شناسی برخی واژه‌های مهم آن می‌پردازد، سپس مقایسه‌ای بین دو اسطوره کیومرث و پوروشه با تأکید بیشتر بر تفاوت‌ها خواهد داشت.

۲- برگردان فارسی پوروشه (ریگ‌ودا، سرود ۹۰، ماندالای ۱۰)

بیت نخست

sahásrāśīrṣā Pūruṣaḥ پوروشه هزار سر،

sahasrākṣāḥ, sahasrapāt, śa هزار چشم، هزار پا،

bhūmiṃ viśvāto vṛtvā, او [برای] پوشاندن زمین از همه سو

ātyatiṣṭhad daśāṅgulām درازای ده انگشتش را امتداد داد.^۱

vṛtvā: اسم مصدر؛ از ریشهٔ -vṛ- به معنی پوشاندن و پسوند -tvā-

atiṣṭhad: فعل؛ استمراری سوم شخص مفرد گذرا؛ از ریشهٔ -āhts: ایستادن، با پیشوند

^۱ جلالی نائینی این بیت را چنین معنی کرده است: پوروشه هزار سر و هزار چشم و هزار پا بود. او تمام زمین را از همهٔ جوانب فرا می‌گرفت و در آن سوی پهنای ده انگشت قرار داشت (ر. ک. جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۱).

پوروشه (برگردان فارسی و توضیحات واژگانی) و مقایسه آن با اسطوره کیومرث ۱۰۷

áti به معنی امتداد یافتن.

بیت دوم^۱

Puruṣa evédám sárvaṃ همانا پوروشه این است، همه آنچه
yád bhūtám yác ca bháviam, که بوده، آنچه که خواهد بود،
utámṛtatvásyésāno, yád و سرور جاودانگی
ánnenātiróhati. آن که از طریق آذوقه‌ها می‌بالد^۲.

utámṛtatvásyésāno: تشکیل شده از uta حرف ربط و amṛtatva: بی‌مرگی؛ اسم مصدر؛ وابستگی مفرد خنثی از ریشه mar- مردن و پیشوند منفی کننده a و íśāna: اسم؛ نهادی مفرد مذکر: حاکم، سلطان.

ánnenātiróhati: از anna اسم: غذا که اسم مفعول است از ریشه ad- خوردن، این واژه را مک دانل «کسی که از طریق غذا (قربانی) رشد می‌کند» معنی کرده است (Macdonell, ۱۹۱۷: ۱۹۶).

^۱برابر با بیت چهارم ائهرودا (Lanman, 1971: 904)

^۲جلالی نائینی این بیت را چنین معنی کرده است: پوروشه در حقیقت تمام این (جهان مرئی) است و آنچه بود و آنچه خواهد بود. او خداوند ابدیت است و به سبب حرارت (قربانی) بدانسو نمو می‌کند (ر. ک. جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۱).

بیت سوم

etāvān asya mahimā اینچنین است بزرگی او
áto jyáyāṃś ca Pūruṣaḥ از این نیز بیش است، پوروشه.
Pādo 'sya víśvā bhūtāni؛ یک چهارم او همه باشندگان؛
tripād asyāmṛtaṃ diví و سه چهارم او همه جاودانان در آسمان
است.

بیت چهارم^۱

tripād ūrdhvā úd ait Pūruṣaḥ؛ سه چهارم پوروشه به سمت بالا
برخاست؛
pādo 'syehābhavat pūnaḥ. باز یک چهارم او اینجا بود
تکه تکه گسترش یافت در همه جهات
táto víśvaṃ ví akrāmat به آنچه که خوردنی و نخوردنی^۲ است.
sāśanānaśané abhí

akrāmat : فعل؛ استمراری سوم شخص مفرد گذرا، از ریشه kram- : گام برداشتن، با
پیشوند ví و abhi : گسترش یافتن.

na- : sāśanānaśané اسم؛ دری مفرد خنثی تشکیل شده از: sa ضمیر اشاره و sana و
anaśana : آنچه که خوردنی و نخوردنی است.

^۱ برابر با بیت دوم ائهرودا (Lanman, 1971: 903)

^۲ جلالی نائینی این قسمت را به «جاندار و بی‌جان» برگردانده است (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۲)

پوروشه (برگردان فارسی و توضیحات واژگانی) و مقایسه آن با اسطوره کیومرث ۱۰۹

بیت پنجم^۱:

از او ویراج^۲ زاده شد،
از ویراج پوروشه
آن زاده شده امتداد یافت به آن سو
پشت زمین و نیز پیشتر^۳.

tásmād Virāḷ ajāyata,
Virāḷō ádhi Pūruṣaḥ
sá jātō áty aricyata
paścād bhúmim átho puráh

aricyata: ya-° فعل؛ استمراری سوم شخص مفرد ناگذر مجهول از ریشه ric- به معنی ترک کردن و با پیشوند به معنی آن سوی چیزی امتداد یافتن.
virāḷ: °āj-، اسم مذکر؛ نهادی مفرد، نام ایزدی که به وسیله پوروشه شخصیت یافته و میانجی پوروشه اولیه و پوروشه رشد یافته است.

بیت ششم^۴

هنگامی که با خیرات پوروشه
ایزدان مراسم قربانی را برگزار کردند،
بهار کره ذوب شده آن،

yát Pūruṣeṇa havīṣā
devā yajñám átanvata,
vasantō asyāsīd ājyaṃ,

^۱ برابر با بیت نهم ائهرودا (Lanman, 1971: 905)

^۲ ویراج به صورت خالق دوم گاهی با پرچاپتی، گاهی با برهما، آگنی، ویشنو و کریشنا یکی دانسته شده ولی اینجا ویراج و پوروشه از یکدیگر پدید آمده‌اند (جلالی نائینی، ۱۳۶۸: ۶۱۳).

^۳ جلالی نائینی: «او به محض تولد آشکار شد؛ بعد زمین را آفرید و سپس صور مادی را» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲:

^۴ برابر با بیت دهم ائهرودا (Lanman, 1971: 905)

تابستان سوخت [آن]، پاییز نثار^۱ [آن] بود. rīṣmā idhmāḥ, śarād dhavīḥ.

°va:atanvata، فعل؛ استمراری سوم شخص جمع ناگذر؛ از ریشه tan-: کشیدن این ریشه در مفهوم برگزار کردن آیین قربانی زیاد استعمال می‌شود (Macdonell, 1917: 198).

dhavīḥ = havīṣ: (صورت غیر ترکیبی °Íṣ)؛ اسم خنثی، نهادی مفرد: خیرات مایع.

بیت هفتم^۲

tám yajñám barhīṣi práukṣan نخست آن قربانی را در علف مقدس
پخش کردند
Púruṣaṃ jātám agratāḥ پروشه زاده شده را
téna devá ayajanta, با آن ایزدان قربانی کردند،
sādhyā ṛṣayaś ca yé ساده‌یه‌ها^۳ و ریشی‌ها^۴

بیت هشتم^۵

tásmād yajñāt sarvahútaḥ از همه آن پیشکشی بی‌کم و کاست
rógn lachta śde gṛd āmde: روغن لخته شده گرد آمده:
paśún táṃś cakre vāyavyān آن چهارپایان هوایی را ساخت،

^۱جلالی نائینی: «خود نذر» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۲)

^۲برابر با بیت یازدهم ائهرودا (Lanman, 1971: 905).

^۳نام دسته‌ای از موجودات آسمانی (Monier-williams, 1899: 1202)

^۴دانشمندان و مقدسینی که برای هندوها از مقام ویژه‌ای برخوردارند (جلالی نائینی، ۱۳۶۸: ۵۲۷).

^۵برابر با بیت چهاردهم ائهرودا (Lanman, 1971: 906).

جنگلی و نیز روستایی^۱ را. āraṇyān, grāmiās ca yé.

sarvahútaḥ -úť صفت؛ نهادی جمع مذکر: پیشکشی بی کم و کاست (Macdonell, 1958:342) تشکیل شده از -sárva: صفت: همه و -hu: اسم: قربانی و یا پیشکشی.

بیت نهم^۲

از آن پیشکشی بی کم و کاست tásmād yajñāt sarvahúta

سرودها، مناجات‌ها^۳ زاده شده‌اند؛ ṛcaḥ sāmāni jajñire؛

اشعار از آن زاده شدند؛ chándāṃsi jajñire tásmād؛

آیین قربانی از آن زاده شد.^۴ yájus tásmād ajāyata

jajñire -ñi، فعل؛ نقلی سوم شخص جمع ناگذر با معنی مجهول؛ از ریشه -jan:

تولید کردن و آفریدن؛ صورت اوستایی -zan

بیت دهم^۵

^۱جلالی نائینی: «حیوانات اهلی و وحشی» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۳).

^۲برابر با بیت سیزدهم ائهرودا (Lanman, 1971: 906).

^۳منظور ریگ ودا ست (Macdonell, 1917: 200).

^۴منظور سامه وداست (همان)

^۵جلالی نائینی: «از آن قربانی که در او نذر جهانی تقدیم شد، «ریچ» ها و آهنگ‌های سامن بوجود آمد و بحور

عروض پیدا شد و دستور اعمال قربانی (ججر بید) نیز پدید آمد» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۳).

^۶برابر با بیت دوازدهم ائهرودا (Lanman, 1971: 906)

tásmād áśvā ajāyanta اسب‌ها از او زاده شدند.
yé ké ca ubhayáda و همه چهارپایانی که دو ردیف دندان
دارند.
gávo ha jajñire tásmāt؛ همانا گاوها از او زاده شدند؛
tásmāj jātā ajāvayaḥ. از او بزها و گوسفندها زاده شدند.

ubhayádataḥ: (صورت غیر ترکیبی: °as)، °at-، صفت؛ نهادی جمع مذکر: دارندگان
دوریدیف دندان.
yé ké ca: این عبارت زمانی ظاهر می‌شود که چهارپایانی چون خر و قاطر، که
دندان‌های پیشین بالا و وپایین دارند، در کنار اسب قرار می‌گیرند.

بیت یازدهم^۱

yát Púruṣaṃ viádadhuh, هنگامی که پوروشه را قطعه قطعه کردند،
katidhá ví akalpayan? به چند قسمت منظم کردند؟
múkhaṃ kím asya? káu bāhú? دهان او چه است؟ دو بازو؟
ká ūrú pádā ucyete? دو ران، دو پای [او]، چه خوانده
می‌شود؟

viádadhuh: (صورت غیر ترکیبی °ur) °u-، فعل؛ استمراری سوم شخص جمع گذرا؛
تشکیل شده از پیشوند vi و ریشه -dhā: قرار دادن، با پیشوند معنی تقسم کردن می‌دهد.

^۱برابر با بیت پنجم ائهرودا (Lanman, 1971: 904)

پوروشه (برگردان فارسی و توضیحات واژگانی) و مقایسه آن با اسطوره کیومرث ۱۱۳

akalpayan: -ya°، فعل؛ استمراری سوم شخص جمع گذرا؛ از ریشه klp- مناسب بودن؛ با پیشوند vi به معنی ترتیب دادن. این واژه در متن توسط مک دانل «شکل دادن» ترجمه شده است (Macdonell, 1917: 202).

بیت دوازدهم^۱

brāhmaṇó 'sya múkham āsīd, برهمن دهان او بود،
bāhú rājanīaḥ kṛtāḥ; دو بازو [یش] جنگاور ساخته شد؛
ūrú tát asya yád váisyaḥ; دو ران [ش] وئیشیه بود؛
padbhyám sūdró ajāyata . از دو پا [یش] شودره^۲ زاده شد.

بیت سیزدهم^۳

candrāmā mānaso jātás; ماه درخشان زاده شده از اندیشه او؛
cācṣoḥ sūryō ajāyata; از چشم [ش] خورشید زاده شد؛
múkhād Índraś ca Agnís ca, از دهان [ش] ایندره و آگنی،
prāñád Vāyúr ajāyata. از نفس [ش] وای زاده شد.^۴

بیت چهاردهم^۵

nābhyā āsīd antárikṣam; از ناف [ش] هوا [ساخته] شد؛

^۱ برابر با بیت ششم ائهرودا (Lanman, 1971: 905)

^۲ کلمات قصار مربوط به وداها (جلالی نائینی، ۱۳۶۸: ۵۳۶)

^۳ برابر با بیت هفتم ائهرودا (Lanman, 1971: 905)

^۴ جلالی نائینی: «از نفس او باد وزیدن گرفت» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

^۵ برابر با بیت هشتم ائهرودا (Lanman, 1971: 905)

از سر[ش] آسمان^۱ تکامل یافت؛
śīrṣṇó dyáuḥ sám avartata;
از دو پای[ش] زمین، چهار جهت آسمان
padbhyāṃ bhūmir, díśaḥ śrótrāt
از گوش[ش]
táthā lokāṃ akalpayan
بدین ترتیب جهان را شکل دادند^۲.

dyáuḥ: -ó°, اسم مذکر؛ نهادی مفرد: بهشت، اینجا آسمان (Macdonell, 1917:202).
avartata: -ta°, فعل؛ استمراری سوم شخص مفرد ناگذر؛ از ریشه -vṛt- چرخیدن با
پیشوند sám: تکامل یافتن.

بیت پانزدهم

هفت حصار دور قربانی بود؛
saptāsyāsan paridhāyas;
سه برابر هفت، هیزم ساخته شد؛
trīḥ saptá samídhaḥ kṛtāḥ;
ایزدان، ترتیب‌دهندگان
devā yád yajñāṃ tanvāṇá,
پوروشای قربانی را محصور کردند^۳.
ábadhnan Púruṣaṃ paśúm.

tanvāṇá: (صورت غیر ترکیبی: °ās)، -ná°, صفت فاعلی ناگذر؛ نهادی جمع مذکر:
ترتیب دهنده؛ از ریشه -tan: امتداد دادن و کشیدن (Macdonell, 1917: 234).

بیت شانزدهم

^۱جلالی نائینی: «عرش» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۴)

^۲نک. Macdonell, 1917: 202.

^۳جلالی نائینی: «این قربانی را هفت دیوار بود و سه بار هفت کُنده برای هیزم آن تهیه شده بود، وقتی که خدایان مراسم قربانی را انجام می‌دادند (دست و پای) پرورش را بسته بودند» (ر. ک. جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۴).
^۴این بیت در ائهرودابه شکل دیگری آمده است: از سر ایزد بزرگ هفت بار هفتاد پرتو ساطع شد، از پادشاه سومه، هنگامی که زاده شد از پوروشه (Lanman, 1971: 906).

از طریق قربانی ایزدان آیین‌های قربانی
yajñéna yajñám ayajanta devás: را به جای آوردند:
آن‌ها نخستین آیین‌ها بودند.
tāni dhārmāṇi prathamāni āsan.
بزرگی آنها به فلک می‌رسید،
té ha nākaṃ mahimānaḥ sacanta,
در جایی که ایزدان سادیه باستانی
yātra pūrve Sādhiāḥ sánti, devāḥ بودند!

۳- کیومرث در قیاس با پوروشه از دیدگاه اسطوره‌شناسی

صورت آوانویسی شده واژه کیومرث در اوستا -gayō.marətan و مفهوم آن زندگی میرا است که به زندگی انسانی اشاره دارد (کریستن سن ۱۳۷۷: ۱۱). از نظر ریشه‌شناسی این واژه از ریشه -gay به معنی زیستن گرفته شده است. از آنجایی که نرینگی و مادینگی هر دو به صورت توأمان در وجود کیومرث دیده می‌شود و تنها پس از مرگ اوست که از هم تفکیک می‌شوند (واشقانی فراهانی، ۱۳۹۵: ۲۸۲) شاید مفهوم بخش نخست این نام به زیست و یا نیروی اولیه حیاتی که بشر برای شروع زندگی بشری به آن نیاز دارد نزدیک باشد. افزون بر آن وجود این واژه به تنهایی و بدون صفت نشان می‌دهد که احتمالاً واژه اصلی -gaya بوده که در تفسیر پهلوی اوستا جان معنی شده (پورداد، ۲۰۲۵۳۶: ۴۱) و در اثر گذشت زمان با صفت آن به صورت یک واژه واحد در آمده در این صورت شاید کیومرث مفهوم نیروی زیست اولیه را داشته است. در جلد دوم اوپانیشاد سید محمدرضا جلالی نائینی پوروشه را «انسان اولیه که روح و منشأ اصلی جهان است» معنی کرده (جلالی نائینی، ۱۳۶۸: ۵۰۸-یا) و نیز واژه پوروشه به معنی مرد و انسان، خدمتکار و دوست نیز آمده است (Monier-Williams,)

^۱جلالی نائینی «با این قربانی خدایان او را که در همان حال قربانی شده بود پرستش کردند. آنها مراسم و تکالیف اولیه بود، آن بزرگان در عرش شریک او شدند، جایی که خدایان باستانی - یعنی: سادیه‌ها- منزل دارند» (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

637: 1899). بدین ترتیب از پوروشه مفهوم منشأ حیات همه جهان و از کیومرث مفهوم نیروی زیست اولیه موجودات را می‌توان استنباط کرد.

در بند ۸۶ یشت ۱۳ (فروردین یشت) فروشی کیومرث همراه با رشن، مهر، کلام مقدس، آسمان، آب، زمین، گیاه، گاو و مؤمنان نیکبخت ستوده شده است (مولایی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). در بند ۲۲ یسن ۶۸ به فروهر کیومرث نماز برده می‌شود و این واژه در کنار اهورامزدا، امشاسپندان و گئوش آمده است (پورداد، ۱۳۸۷ بخش دوم: ۱۰۴). بند ۸۷ فروردین یشت نژاد ایرانیان را به کیومرث نسبت می‌دهد: «فروهر کیومرث پارسا را می‌ستاییم که نخست [او] به اندیشه و آموزش‌های اهورامزدا گوش فرا داد، از او بود که [اهورا مزدا] ناف (خاندان) مردمان ایرانی، چهر (نژاد) مردمان ایرانی را آفرید (مولایی، ۱۳۸۲: ۱۰۳)». در بند ۲ یسن ۶۷ نام کیومرث جزو نخستین دین‌آوردگان آمده است (پورداد، ۱۳۸۷ بخش دوم: ۹۸). می‌بینیم که پوروشه ودایی انسانی غول‌پیکر است که تنها خویشکاری او قربانی شدن می‌باشد در مقابل کیومرث به عنوان نخستین دین آورنده، نخستین آموزنده کلام مقدس و نخستین انسان که صاحب فروهر است ستوده می‌شود.

در متن‌های پهلوی چون بندهش کیومرث شبیه به خورشید است، بلندی او به اندازه چهار نای و پهنایش برابر با بالایش توصیف شده و بر سوی راست هرمزد آفریده می‌شود، او دارای چشم، گوش، زبان و دخشک^۱ است، او از زمین آفریده شده و آتش تخمه است (بهار، ۱۳۷۵: ۴۶). اینجا کیومرث به شکل پیش نمونه انسانی تصویر شده اما پوروشه شبیه به انسان و دارای دست و پا و انگشت است. او از ویراج زاده شده که میانجی پوروشه اولیه و پوروشه رشد یافته است.

^۱ دخشک در زبان پهلوی به معنی نشان است و احتمالاً منظور این است که کیومرث نشان از اورمزد داشت یعنی به او شبیه بود (بهار، ۱۳۷۵: ۵۰)

پوروشه (برگردان فارسی و توضیحات واژگانی) و مقایسه آن با اسطوره کیومرث ۱۱۷

در بندهش آمده است که مرگ کیومرث به دست اهریمن انجام می‌شود: «اهریمن اندیشید که همه آفریدگان هرمزد را از کار افکندم جز کیومرث. آستویهاد را با یک هزار دیو مرگ‌آور فراز هشت (همان: ۸۸)». اما پوروشه توسط ایزدان و تحت آیین‌های خاص قربانی می‌شود.

نطفه کیومرث پس از مرگ با روشنی خورشید پالوده می‌شود: «چون کیومرث به هنگام درگذشت تخمه بداد، آن تخمه را به روشنی خورشید بیالودند و دو بهر آن را نریوسنگ نگاه داشت و بهری را سپندارمذ پذیرفت» (همان: ۱۷۶). از تن کیومرث هفت گونه فلز پدید آمد و از تخم او که در زمین رفت پس از چهل سال مشی و مشیانه برستند (همان: ۱۱۴). از طرفی گاو یکتا آفریده همه جا در کنار کیومرث دیده می‌شود و از مرگ اوست که جانوران پدید می‌آیند. از تکه‌های بدن پوروشه همه جانوران و طبقات انسانی و آیین‌ها و سرودها و ماه و خورشید حتی ایزدان به وجود می‌آیند.

چنانچه به متن پوروشه دقت کنیم می‌بینیم که پوروشه دارای دست و پا و انگشت، به پیکر انسانی، تصویر شده در صورتی که کیومرث توده‌ای گرد، درخشان و خورشیدوش است. او بیشتر به شکل نطفه غول پیکر و نورانی توصیف شده است که جنسیت ندارد (وفایی، اسماعیل‌پور، ۱۳۹۵: ۳۲۳). پوروشه را ایزدان قربانی می‌کنند، گویا او آفریده شده برای قربانی شدن در صورتی که کیومرث بی‌مرگ است و در اثر حمله اهریمن مرگمند می‌شود. در اسطوره پوروشه چگونگی این قربانی توسط ایزدان شرح داده می‌شود و صحبت از قطعه قطعه شدن بدن او و به تبع آن آفرینش همه موجودات و همه جهان است اما از کیومرث تنها فلزات و نسل انسان و به خصوص ایرانیان شکل می‌گیرد.

با این که ممکن است اشاره شاهنامه به فرمانبرداری همه حیوانات اعم از اهلی و وحشی از کیومرث بازتابی از این اندیشه باشد که از پوروشه همه حیوانات اهلی و

وحشی به وجود آمده‌اند^۱، تنها شباهت قطعی که بین این دو اسطوره به چشم می‌خورد مرگ موجودی غول پیکری است که به دنبال آن آفرینشی جدید شکل می‌گیرد این آفرینش در مورد پوروشه بسیار وسیع و در سطح همه هستی و در مورد کیومرث محدود و در سطح تولید فلزات و نسل آدمیان و به ویژه ایرانیان است. علی‌رغم تفاوت‌های فاحش این دو، وجود دو اسطوره در دو قوم هند و ایرانی که قربانی و یا مرگ یک موجود باعث شکل‌گیری حیات می‌شود ارتباطی را بین این دو نشان می‌دهد و چنانچه تفاوت‌های فاحش بین دو اسطوره را مد نظر قرار دهیم منطقی‌تر به نظر می‌رسد که یک اصل کهن‌تر برای هر دو اسطوره در نظر بگیریم که شاید با موشکافی دقیق‌تر و کنکاش بیشتر در اسطوره‌های هندی و ایرانی مرتبط قابل دریافت باشد.

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه تحلیل واژه‌ها و ترجمه متن درمی‌یابیم که پوروشه غول بسیار بزرگی است که بزرگی او بیشتر از همه هستی است. او پس از قربانی و قطعه‌قطعه شدن اجزای مختلف هستی را شکل می‌دهد. عاملان این قربانی که ایزدان هستند با در نظر گرفتن آیین‌های ویژه قربانی با هفت حصار پوروشه را محصور کرده و او را قطعه‌قطعه می‌کنند. متن شرح می‌دهد که هر بخش از بدن او بخشی از جهان هستی را شکل داده است. بدین ترتیب طبقات اجتماعی، جانوران، ایزدانی چون ایندره و آگنی و سرودها و مناجات‌ها از او شکل می‌گیرد پس او پیش از هرچه که قابل تصور است وجود داشته است. در مقابل کیومرث به شکل پیش‌نمونه‌ای است که مرگ او توسط اهریمن صورت گرفته و از بدن او فلزات و از نطفه او نسل بشر به خصوص ایرانیان

^۱ دد و دام و هر جانور کش بدید ز گیتی به نزدیک او آرمید

دو تا میشدندی بر تخت اوی ازان فره و برشده بخت اوی

به رسم نماز آمدندیش پیش وزان جایگه برگرفتند کیش (فردوسی، ۱۳۷۰، جلد اول: ۲۸)

شکل می‌گیرند. با مقایسه دو اسطوره در می‌یابیم که علی‌رغم شباهت در قربانی شدن و پخش شدن بدن قربانی تفاوت‌های زیادی بین چگونگی و چرایی دو قربانی دیده می‌شود. پوروشه برای قربانی شدن و آفرینش هستی زاده شده و توسط ایزدان قربانی می‌شود در صورتی که کیومرث بی‌مرگ به صورت پیش‌نمونه‌ای توسط اورمزد و پس از پنج آفرینش دیگر آفریده شده و مرگ او در اثر حمله اهریمن و به دست دیو آستویهاد رقم می‌خورد. از لحاظ ظاهری نیز این دو با هم شباهت ندارند، کیومرث چون نطفه غول پیکر درخشان و دو جنسی است اما طبق توصیف ودا پوروشه شبیه به انسان، دارای صورت و دست و پا و انگشت، است. از قربانی پوروشه همه جهان هستی و از مرگ کیومرث تنها نسل انسان و فلزات شکل می‌گیرد. به دلیل وجود تفاوت‌های زیاد نمی‌توانیم دو اسطوره را یکی بدانیم بلکه بهتر است برای دو اسطوره اصل و منشأ کهن مشترکی در نظر بگیریم که در گذر زمان بین دو قوم به صورت دو اسطوره مجزا به حیات خود ادامه داده است. احتمالاً منشأ اولیه آن در بین اسطوره‌های مختلف هندی و ایرانی پنهان است که رسیدن به آن نیازمند جستجوی بیشتر در اسطوره‌های مربوط به قربانی و آغاز آفرینش است.

منابع

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم و فاطمه وفایی. (۱۳۹۵). «بررسی علت تحولات نخستین انسان از یمه تا کیومرث، در اسطوره‌های زردشتی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۳۰۱-۳۳۲.

بویس، مری. (۱۳۷۴). *تاریخ کیش زرتشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: توس.
بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم)*. تهران: آگاه.
پورداد، ابراهیم. (۲۵۳۶). *یشت‌ها (جلد دوم)*. به کوشش بهرام فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ سوم.

_____ (۱۳۸۷). *یسنا بخشی از کتاب اوستا*. تهران: اساطیر.

جلالی نائینی، سید محمدرضا. (۱۳۶۸). *اوپانیساد (جلد دوم)*. ترجمه محمد داراشکوه فرزند

۱۲۰ پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

شاهجهان از متن سنسکریت با مقدمه و حواشی و تعلیقات و لغت‌نامه، تهران: علمی. چاپ سوم.

_____ (۱۳۷۲). *گزیده سرودهای ریگ ودا؛ قدیمترین سند زنده مذهب و جامعه هندو*. تهران: نقره. چاپ سوم.

زهر، آر. سی. (۱۳۸۴). *زروان یا معمای زرتشتی‌گری*. ترجمه تیمور قادری. تهران: امیرکبیر.
کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۷). *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۰). *شاهنامه*. تهران: گلستان کتاب.
مولایی، چنگیز. (۱۳۸۲). *بررسی فروردین یشت سرود اوستایی در ستایش فروهرها*، تبریز: دانشگاه تبریز.

واشقانی فراهانی، ابراهیم. (۱۳۹۵). «تحلیل اسطوره کیومرث بر اساس نظریه روان‌شناسی شخصیت یونگ». *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*. سال ۲۴، شماره ۸۰، صص ۲۷۳ - ۳۰۰.

Griffith, Ralph T.H. (1968). *The Ghowkhamba Sanskrit Studies*. Vol. LXVI, The Hymns of Atharvaveda. Vol. II. Varanasi: The Ghowkhamba Sanskrit Series Office.

Macdonell, Arthur Anthony. (1958). *A Practical Sanskrit Dictionary With Translation, Accentuation, and Etymological Analysis Throughout*. London: Lithographically at the University Press, Oxford.

_____ (1917). *A Vedic Reader for Students*, London: Oxford University Press.

Monier-Williams, Sir Monier. (1899). *A Sanskrit-English Dictionary Etymologically and Philologically Arranged*, Delhi: Motilal Banarsidass Publishers.

Whitney, William Dwight. (1971). *Atharva-Veda-Samhita*. Vol. II. Delhi: Shri Jainendra Press.